Journal Homepage: https://journals.sbmu.ac.ir/mh DOI: https://doi.org/10.22037/mhj.v15i48.39133

Original Article Open Access

Medical Ethics and Law Research Center

Tārīkh-i pizishkī
i.e., Medical History
2023; 15(48): e17

Shahid Beheshti University of Medical Sciences

Explaining the Socio-Health Function of Spittoon; a Historical Work in the National Jewerly Museum

Hossein Ahmadzadeh Nodijeh[1]

1. Official Curator, the Treasury of National Jewells, the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Spittoon is a container utilized by different people for spitting, nose blowing and dropping mucus throughout history. At present, due to the lack of public's awareness about the historical background of social and health function of spittoon, a negative view has been formed toward this work and it is called as an unhygienic object that is often used by lazy people in the society, because of this negative view, curators of the jewelry treasury refused to explain this object to visitors and even mispronounced its name for a long time.

Methods: The present article, written with a descriptive-analytical approach and a library and documentary method, seeks to challenge this stereotype based on Norbert Elias's "central theory".

Ethical Considerations: In the present study, the ethical aspects of library study including originality of texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: This article aims to challenge the stereotypical view of spitton, that it was an unhygienic object and was only reserved for kings and privileged classes, and present the hypothesis that in the past, first for maintaining social affairs and personal decency, and then in order to avoid the spread of infectious diseases, it has been used. The main question of this research is: Why is there a negative view of spitton in the current era, despite its social and health function throughout history? Also, based on first-hand historical sources and unpublished documents available in the National Jewelry Museum, it corrects the phonetic and alphabetic form of this historical-museum work.

Conclusion: Contrary to the stereotypical view of the negative function of spitton, in the past this object had more of a social-health function and was used first in the court and then in the society to prevent drooling due to the spread of infectious diseases such as tuberculosis and also in order to comply with social norms.

Keywords: National Jewelry Museum; Spittoon; Social and Hygienic Function

Corresponding Author: Hossein Ahmadzadeh Nodijeh; **Email:** h.ahmadzadeh@cbi.ir

Received: August 14, 2022; **Accepted:** January 31, 2023; **Published Online:** October 18, 2023

Please cite this article as:

Ahmadzadeh Nodijeh H. Explaining the Socio-Health Function of Spittoon; a Historical Work in the National Jewerly Museum. Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History. 2023; 15(48): e17.

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

DOI: https://doi.org/10.22037/mhj.v15i48.39133 Journal Homepagehttps://journals.sbmu.ac.ir/mh

دسترسی آزاد مقاله پژوهشی

مجله تاریخ پزشکی

دوره پانزدهم، شماره چهل‌وهشتم، ۱۴۰۲

تبیین کارکرد اجتماعی ـ بهداشتی سلفدان: اثر تاریخی در موزه جواهرات ملی

حسین احمدزاده نودیجه[1]

۱. متصدی خزانه جواهرات ملی بانک مرکزی ج.ا.ا، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سِلفدان ظرفی است که برای انداختن آب دهان، دماغ و اخلاط سینه در طول تاریخ توسط اشخاص مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در حال حاضر، به دلیل عدم آگاهی عموم جامعه نسبت به پیشینه تاریخی، کارکرد اجتماعی و بهداشتی سلفدان، نگاه منفی نسبت به این اثر شکل گرفته و از آن به مثابه یک شئ غیر بهداشتی یاد می‌شود که اشخاص کاهل و تنبل در جامعه از آن استفاده می‌کنند. به دلیل همین نگاه منفی و کلیشه‌ای نسبت به سلفدان، تا مدت‌ها در موزه جواهرات ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، متصدیان خزانه جواهرات از توضیح این اثر به بازدیدکنندگان اجتناب می‌ورزیدند و حتی نام این اثر را به اشتباه تلفظ می‌کردند.

روش: جستار حاضر با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با تکیه بر «نظریه مرکزی» نوربرت الیاس نگاشته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در مطالعه پیش رو، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: این مقاله درصدد است نگاه کلیشه‌ای نسبت به سلفدان مبنی بر اینکه شئ‌ایی غیر بهداشتی و تنها مختص به شاهان و طبقات ممتاز بوده است را به چالش بکشد و این فرضیه را مطرح سازد که در گذشته ابتدا به خاطر حفظ شؤونات اجتماعی و نزاکت شخصی و سپس به منظور پرهیز از شیوع بیماری‌های واگیردار از سلفدان استفاده می‌شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که چرا در عصر کنونی نسبت به سلفدان، علیرغم کارکرد اجتماعی و بهداشتی آن در طول تاریخ، نگاه منفی شکل گرفته است؟ همچنین با تکیه بر منابع دست اول تاریخی و اسناد منتشرنشده موجود در موزه جواهرات ملی به تصحیح صورت آوایی و الفبایی این اثر تاریخی ـ موزه‌ای می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: برخلاف نگاه کلیشه‌ای نسبت به کارکرد منفی سلفدان، این شئ در گذشته بیشتر کارکردی اجتماعی ـ بهداشتی داشته و با توجه به شیوع بیماری‌های واگیردار نظیر سل و به منظور رعایت هنجارهای اجتماعی برای جلوگیری از انداختن آب دهان ابتدا در دربار و سپس در جامعه استفاده می‌شده است.

واژگان کلیدی: موزه جواهرات ملی؛ سلفدان؛ کارکرد اجتماعی و بهداشتی

نویسنده مسئول: حسین احمدزاده نودیجه؛ **پست الکترونیک:** h.ahmadzadeh@cbi.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۱/۱۱/۱۱؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۲/۰۷/۲۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Ahmadzadeh Nodijeh H. Explaining the Socio-Health Function of Spittoon; a Historical Work in the National Jewerly Museum. Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History. 2023; 15(48): e17.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

در دوران قدیم، در بسیاری از جوامع اروپایی پرتاب‌کردن آب دهان بر روی میز غذاخوری، سطح پیاده‌روها، معابر و اماکن عمومی به مانند بسیاری از اعمال دیگر نظیر هورت‌کشیدن سوپ، آروغ‌زدن و پاک‌کردن دهان با آستین در هنگام غذاخوردن و در ملأ عام امری عادی پنداشته می‌شد و انسان‌ها برخلاف امروز از این قبیل اعمال احساس شرم، انزجار و دستپاچگی نمی‌کردند. نوربرت الیاس (۱۹۹۰-۱۸۹۷ م.) (Norbert Elias) نویسنده شهیر آلمانی در کتاب خویش تحت عنوان «در باب فرایند تمدن» که در دو جلد نگاشته شده به تبیین نظریه‌ای تحت عنوان «نظریه مرکزی» (۱) پرداخته و تحول این قبیل الگوهای رفتاری را ابتدا در دربار و سپس در میان عامه مردم ـ از اوایل قرون وسطی تا قرن بیستم ـ به ویژه در اروپا مورد بررسی قرار داده است[۱].

الیاس در کتاب «فرآیندهای متمدن شدن» از یکسو، به ارتباط میان جزئیات معیارهای اجتماعی در حال توسعه و عادت‌واره‌های اجتماعی می‌پردازد و از سوی دیگر، میزان دولت‌سازی، زنجیره‌های وابستگی متقابل، دموکراتیک‌سازی عملکردی و میزان آرام‌سازی تحت کنترل دولت را در تغییر این اعمال مورد بررسی قرار می‌دهد (۱). وی با در نظرگرفتن شاخص‌های فوق نشان می‌دهد که در جریان گذر از دنیای قدیم به جدید چگونه معیارهای جوامع اروپایی از دوره رنسانس به بعد در جریان رشد فردگرایی و ساختارهای کنترل‌کننده ابتدا در میان درباریان و سپس در بین عامه مردم در حد فاصل قرن ۱۴ تا ۱۹ میلادی دستخوش تغییر شد و بسیاری از افعال نظیر ادرار و تف‌کردن در ملأ عام به امری شرم‌آور، نکوهیده و منزجرکننده تبدیل گردید (۲). این تغییر الگوی رفتاری به تدریج از اروپا ـ علی‌الخصوص فرانسه ـ به سایر کشورهای دیگر نیز تسری یافت و بدین‌ترتیب جوامع دیگر در جریان گذر از دوران سنت، بسیاری از الگوهای رفتاری مدرن را فراگرفتند و اصطلاحاً «به روش غربی متمدن شدند» (۱).

در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۷۸ با الیاس صورت گرفت، وی در جواب پرسشگر که «چگونه و چرا تف‌کردن در کاسه سوپ یا فین‌کردن روی سفره از یک مقطع زمانی به بعد غیر قابل قبول شده است؟» پاسخ می‌دهد: در قرون وسطی به تدریج در محیط پادشاهی و دربار، نوعی اشرافیت درباری شکل گرفته بود که کاملاً از اشرافیت جنگ‌طلبانه که مظهر سبک زندگی قدیمی بود، متفاوت جلوه می‌کرد. این اصول ساختاری حاکم بر دربار به مثابه خاستگاه اولیه تغییرات باعث تحولات عدیده‌ای در نگرش‌های اجتماعی و رفتارهای عرفی شد که ابتدا در میان نخبگان نظیر درباریان و اشراف و سپس در میان سایر طبقات جامعه تسری یافت (۴-۳).

آنچه که در این بین به دگردیسی این الگوهای رفتاری در گذر از سنت به مدرنیته کمک شایانی کرد، شکل‌گیری دولت‌های جدید و اعمال فشار در راستای یکسان‌سازی افراد در همه سطوح فردی و اجتماعی، همبستگی اجتماعی و توجه به مسأله ارتقای سطح بهداشت عمومی در قرن ۱۹ میلادی بود (۱). بر اساس این دیدگاه، دغدغه‌های بهداشتی، مردم را بر آن داشت تا رفته‌رفته به یک سری از اصول و آداب نظیر شستن دست‌ها قبل از غذاخوردن، استفاده از چنگال به جای دست، رفتن به گوشه‌ای برای قضای حاجت و اجتناب از تف‌کردن عادت کنند. الیاس در تجزیه و تحلیل‌هایی که در مورد تاریخچه رفتارها از قرون وسطی انجام داد، دریافت تا پیش از قرن نوزدهم علت «رفتارهای پسندیده» مردم دغدغه‌های بهداشتی نبوده است، اما از قرن نوزدهم اغلب رفتارهایی که مورد تأیید جامعه پزشکی بوده و رفتارهای متضمن سلامت به طور گسترده مورد استقبال طبقه اشراف و متوسط رو به بالای کشورهای غربی قرار گرفت (۳). به عنوان مثال، از قرن نوزدهم چنانچه الیاس نیز خاطرنشان ساخته: «خطر خلط به عنوان حامل بیماری، بیزاری از پرتاب بزاق دهان» را شدت بخشید (۵).

از نظر الیاس فشارهای اجتماعی مربوط به خودکنترلی در رفتارهای روزمره قرن نوزدهم موجب شد مراقبت‌های بهداشتی نیز جزء ملاحظات نجابتی قلمداد شوند. وی در باب تکامل رفتار اجتماعی مرتبط با انداختن آب دهان خاطرنشان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

می‌کند: «طبق قانون نزاکت قرون وسطی توصیه شده بود که تف‌کردن بر روی میز ممنوع و زیر آن جایز است.» در کتاب «حول مدنیت کودکان» اراسموس به امکان استفاده از دستمال در موقعیت‌هایی که امکان محو آب دهان با پا وجود ندارد، اشاره کرده است. از این زمان به بعد بود که پنهان‌کردن انداختن آب دهان بخشی از ادب تلقی می‌شد. در کتاب «عادات جامعه خوب» می‌خوانیم که «عادت انداختن آب دهان در هر شرایطی زننده است» و از آن به مثابه فعلی عوامانه و خطرناک برای سلامتی نگریسته شده است (۳).

برخلاف تمدن‌های غربی، تف‌کردن و گرفتن مُف بینی در شرق به ویژه در تمدن‌هایی نظیر ایران و چین در دوران باستان تا آنجا که منابعی نظیر هردوت (Herodotus) و گزنفون (Xenophon) اشاره کرده‌اند، عملی برخلاف شؤونات اجتماعی تلقی می‌شده است (۷-۶). به همین منظور، از ظروف خاصی برای پرهیز از تف‌کردن استفاده می‌شده است. حفاری‌های صورت گرفته در جنوب ایران نیز مؤید این امر است. منابع تاریخی صریحاً به این موضوع نمی‌پردازند که از چه زمانی این اعمال خلاف نزاکت، تبدیل به امری عادی در جامعه ایران گردید، اما بر اساس گزارش‌های سیاحان غربی در دوره صفویه، می‌دانیم که این عمل در دوره صفویه مجدداً به امری نکوهید مبدل شده است (۹-۸).

برای پرهیز از تف‌کردن و پرتاب خلط بر روی زمین ابتدا در دربار به منظور رعایت شؤونات اجتماعی، شاه و درباریان از ظروفی به نام سلفدان استفاده می‌کردند و سپس برای ارتقای بهداشت عمومی به تدریج سلفدان در میان عامه مردم نیز رایج گردید. چنانچه منابع تاریخی تصریح کرده‌اند: «استفاده از سلفدان به مثابه یک عادت، در دوره صفویه و سپس قاجار، ابتدا میان نخبگان شامل درباری‌ها، اشراف، خان‌ها و سپس برخی دیگر از اقشار عادی جامعه رایج شد.» با تشکیل سلسله پهلوی اول و رویکرد بنیانگذار آن در راستای تکمیل پروژه دولت‌سازی و استفاده از اهرم‌های کنترلی دولت مبنی بر متمدن‌ساختن ایران نوین و ارتقای سطح بهداشت عمومی در اماکن تفریحی ـ مذهبی رعایت برخی از اصول الزامی گردید که از جمله آن‌ها می‌توان به اجتناب از تف‌کردن و تعبیه سلفدان در اماکن عمومی اشاره کرد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

جستار حاضر با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و روش کتابخانه‌ای ـ اسنادی و با تکیه بر «نظریه مرکزی» نوربرت الیاس نگاشته شده است. از نظر الیاس در فرآیند متمدن‌شدن جوامع، برخی از الگوهای رفتاری و عادتواره‌های اجتماعی ابتدا در میان درباریان و سپس عامه مردم دچار دگردیسی شده است. مقاله حاضر درصدد است که با تکیه بر منابع دست اول تاریخی، اسناد منتشرنشده موجود در خزانه جواهرات بانک مرکزی ج.ا.ا و تحقیقات معتبر علمی به تبیین تاریخچه تحول یک الگوی رفتاری نظیر پرهیز از تف‌کردن در چارچوب نظریه مرکزی نوربرت الیاس بپردازد.

یافته‌ها

در خزانه جواهرات ملی بانک مرکزی ج.ا.ا اثری تحت عنوان سِلفدان موجود است که عموماً موزه‌داران و بازدیدکنندگان نام آن را به اشتباه تلفظ می‌کردند و به دلیل عدم آگاهی عموم جامعه نسبت به پیشینه تاریخی، کارکرد اجتماعی و بهداشتی آن، نگاه منفی پیرامون این شاهکار هنری شکل گرفته بود. یافته‌های جستار حاضر حاکی از آن است که اولاً نام این اثر در متون کلاسیک ادبی ـ تاریخی با عناوینی نظیر سلفدان، خیودان و مبزق (تفدان) ثبت شده است؛ ثانیاً برخلاف دیدگاه رایج کلیشه‌ای مبنی بر غیر بهداشتی‌بودن سلفدان، از آن در طول تاریخ به خاطر حفظ شؤونات اجتماعی و نزاکت شخصی و سپس به منظور پرهیز از شیوع بیماری‌های واگیردار استفاده می‌شده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

بحث

۱. تُفله‌دان یا سِلفدان؛ تصحیح صورت آوایی و الفبایی

یک اثر تاریخی: خزانه جواهرات ملی بانک مرکزی جهموری اسلامی ایران حافظ و پاسدار مجموعه‌ای از جواهرات تاریخی است که آثار متنوع ارزشمندی را در خود جای داده است. در ویترین‌های شماره ۱، ۲، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ خزانه جواهرات آثاری به نمایش درآمده است که عموماً موزه‌داران و بازدیدکنندگان به اشتباه آن را«سُفله‌دان» می‌نامند و در منابع مکتوب به صورت‌های مختلف آوایی و الفبایی ثبت و ضبط شده است که رایج‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: سُفله‌دان، سُفلدان، سِفله‌دان و تُفله‌دان[۲].

بدیهی است بسیاری از کاربران فارسی‌زبان این واژه از یکسو به علت ناآگاهی از واژگان تخصصی تاریخی و عدم مراجعه به فرهنگ لغات فارسی و منابع دست اول ادبی ـ تاریخی و از سوی دیگر به خاطر قرابت آوایی و الفبایی این واژه با سُلفه که در گویش ساکنان قدیمی تهران به معنای سرفه و سرفه‌کردن (۱۰) و نیز سِفله که به معنی پست و فرومایه است، دچار این اشتباه فاحش شده‌اند.

در ابتدای امر فرض بر این بود که این اشتباه صرفاً لسانی است، چراکه احتمال لغزش زبانی در استعمال واژه‌ها توسط بشر در طول تاریخ پدیده‌ای عجیب نیست. این اشتباهات به خصوص به هنگام وام‌گرفتن واژگان از سایر زبان‌ها تا جایی پیش می‌رود که کاربرد اشتباه یک واژه جایگزین اصل صحیح کلمه می‌گردد و از سوی اکثر کاربران یک زبان امری عادی پنداشته می‌شود. نظیر فلاسک که در زبان فارسی عمدتاً فلاکس نامیده می‌شود که به معنی روغن لحیم است. بررسی‌های بیشتر بر این امر دلالت دارد که این خطا تنها محدود به زبان نشده است. به عنوان مثال با نگاهی اجمالی به «دفتر ثبت جواهرات پشتوانه» بانک مرکزی ج.ا.ا. می‌توان به وضوح دریافت که این خطای زبانی در سال ۱۳۳۹ شمسی به قالب نوشتاری نیز رخنه کرده و هم‌اکنون در میان متصدیان و راهنمایان موزه واژه تُفله‌دان تثبیت شده است.

با جستجوی اولیه در فرهنگ‌های لغت قدیمی و منابع تاریخی به وضوح می‌توان دریافت واژه‌هایی نظیر تُفله‌دان، سُفلدان و سِفله‌دان وجود خارجی ندارند و در واقع، سِلفدان (self-dān) یا سِلِفدان (۱۱) تلفظ صحیح این واژه است. از مهم‌ترین واژگان متناظر با این واژه در زبان فارسی می‌توان به سِرفدان، مِبزَق، خیودان، سِلفتان، سِلفتون و اخیراً تُف‌دان اشاره کرد. در برخی از فرهنگ لغت‌ها در باب تعریف واژه سلفدان چنین آمده است:

۱ـ «ظرف برای افکندن آب دهان و اخلاط سینه» (۱۲)؛ ۲ـ «ظرفی که در آن آب دهان اندازند» (۱۳)؛ ۳ـ «ظرفی که معمولاً در کف آن مقداری خاکستر می‌ریزند و آن را به انداختن آب دهان و خلط سینه و مُف بینی اختصاص می‌دهند. ناگفته نماند که این ظرف بسیار کثیف و مهوع است و بیشتر کسانی که به علت بیماری یا تنبلی یا علل دیگر یارای از جا برخاستن ندارند، چنین ظرفی را مورد استفاده قرار می‌دهند» (۱۴).

بر اساس منابع تاریخی باید به یک کاربرد جانبی دیگر برای سلفدان اشاره کرد که در فرهنگ لغت‌ها به آن اشاره نشده است؛ ظاهراً نوع بزرگ‌تر این شئ به غیر از آب دهان و بینی، برای انداختن پوست میوه و آشغال نیز در سفره استفاده می‌شده است (۸).

پسوند «دان» که در انتهای واژه سلف (سلف + دان) آمده در زبان فارسی معنی محفظه و جا و ظرف به مدخول خود می‌دهد، مانند شیردان، شمع‌دان، پیه‌دان، قلمدان، چای‌دان، قنددان، انفیه‌دان، گلدان، سرمه‌دان، گلابدان، زهدان، نمکدان، روغن‌دان، آتشدان، یخدان و سلفدان (۱۵).

جدول ۱: بعضی از معادل‌های این واژه در زبان‌های دیگر

زبان	واژه
انگلیسی	Spittoon & Cuspidor
فرانسوی	Crachoir
آلمانی	Spucknapf
ایتالیایی	Sputacchiera

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

امروزه کاربرد واژه سِلفدان در زبان و ادب فارسی منسوخ شده است و نسل حاضر با این واژه و کاربرد آن بیگانه هستند و به تدریج نگاه منفی و کلیشه‌ای فارغ از کارکرد اجتماعی ـ بهداشتی پیرامون آن شکل گرفته است. در اماکن تاریخی و موزه‌ها بعضاً از توضیح سِلفدان به دلیل نگاه منفی که نسبت به این اثر و کارکرد آن وجود دارد، اجتناب و از آن صرفاً به عنوان جام یا تنگ نام برده می‌شود که گویای کاربری دقیق آن نیست. سایر واژگان متناظر قدیمی سِلفدان نظیر خیودان و مِبزَق نیز دیگر در زبان روزمره کاربرد ندارند. امروزه عمدتاً از لغت ساده «تف‌دان» در کتاب‌های تألیفی ـ ترجمه‌ای و زبان عامیانه استفاده می‌شود. به عنوان مثال با مقایسه ترجمه‌های انجام‌شده از کتاب شاردن، سیاح فرانسوی توسط دو مترجم به نام‌های محمد عباسی (۱۳۳۵ ش.) و اقبال یغمایی (۱۳۷۵-۱۳۷۲ ش.) که به لحاظ زمانی به دو نسل مختلف ترجمه تعلق داشتند، می‌توان به نکته مذکور پی برد:

۱ـ محمد عباسی: «در آبدارخانه چندین دست قاشق بسیار عالی و جام و زیرجام و بشقاب و سینی و سطل و ظرف آب و تنگ و «سلفدان» دیدم که همه آن‌ها از زر ناب بود» (۱۶)؛

۲ـ اقبال یغمایی: «این‌ها عبارت بود از چند دست قاشقِ بسیار عالی، تعدادی کاسه، چندین ساغر، چندین پارچه زیرِ جام و بشقاب و سینی و پارچ و تنگ آب و بطری و «تُف‌دان» همه از طلای خالص که بعضی از آن‌ها میناکاری، برخی گوهرنشان و بعضی مزین به مروارید بود» (۱۷).

۲. پیشینه تاریخی استفاده از سلفدان: خاستگاه استفاده از سلفدان فلزی به ۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در آسیا بازمی‌گردد. قدیمی‌ترین سند مکتوب، یکی از کتب مهم بودایی ذیل عنوان مهاواگا (Mahâvagga) است که در حد فاصل ۳۰۰-۲۵۰ پیش از میلاد مسیح نوشته شده است (۱۸). هدف اولیه از ساخت چنین اثری دفع اخلاط سینه ذکر شده است که در اثر جویدن پان یا برگ فلفل بتل (Betel Leaf) در بدن تولید می‌شد. جویدن پان و برگ فلفل از جمله سنت‌های قدیمی رایج در جنوب، جنوب شرق و شرق آسیا نظیر چین و مالزی بوده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های استفاده از پان، تولید آب دهان و خلط زیاد بود که مصرف‌کننده آن را نیازمند استفاده از ظرفی برای دفع این مواد زائد می‌ساخت (۱۹).

در هند نیز افرادی که گیاه پان (تانبول/ تنبول) (Tambula) یا فلفل بتل را می‌جویدند به منظور حفظ پاکیزگی خانه خویش از سلفدان استفاده می‌کردند که در هند پیکدان نامیده می‌شد. از آنجا که ترکیبات گیاه تانبول بزاق زیادی تولید می‌کرد، وجود سلفدان در کنار مصرف‌کننده تانبول بسیار حائز اهمیت بود. در یک قرن اخیر، طرفداران بهداشت اجتماعی در هند نسبت به پرتاب‌کردن آب دهان توسط جوندگان تانبول در پیاده‌روها انتقادات زیادی کرده‌اند. از آنجا که در جلوی فروشگاه‌های تانبول همواره آب دهان قرمز رنگ مصرف‌کنندگان تانبول به چشم می‌خورد به تدریج سلفدان‌هایی جلوی درب فروشگاه‌های تانبول‌فروشی نصب و استفاده از این شئ تبدیل به نمادی از بهداشت در تاریخ هند گردید (۱۸).

گزارش‌های موجود در باب استفاده از سلفدان در قرن ۱۳ میلادی حاکی از آن است که در میان برخی از اقوام نظیر تاتارها و مغولان، رجال بلندمرتبه هنگام حضور در مقابل خان حق تف‌کردن بر روی زمین را نداشتند، چراکه این عمل نوعی بی‌احترامی به مقام شامخ خان تلقی می‌شد. مارکوپولو در جریان سفر خویش در میان تاتارها و ذکر مذهب و آداب رسوم آن‌ها در سال ۱۲۹۸ میلادی بیان می‌کند: «یکی از عادات رجال بلندمرتبه تاتار این است که هرگاه در دربار حضور به هم می‌رساندند با خود یک ظرف کوچک شبیه به گلدان حمل می‌کردند تا در صورت نیاز آب دهان خویش را درون آن بیندازند» (۲۱). در دربار اورنگ زیب، حتی رجال از جویدن پان یا تانبول منع شده بودند، چراکه آن‌ها اجازه نداشتند آب قرمز رنگ ناشی از جویدن پان را در لنگنچه‌های مخصوص درباری (سلفدان) که بسیار شکیل و زیبا بود بیندازند (۲۰).

از قرن ۱۷ میلادی با شروع تجارت جهانی تنباکو که همانند جویدن برگ فلفل و پان مستلزم دفع آب دهان بود، استفاده از سلفدان در اروپا نیز رایج گردید. به طور کلی سلفدان در حوزه فعالیت‌های مردانه قرار می‌گرفت و با موقعیت اجتماعی افراد و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

فعالیت‌های تفریحی روابطی تنگاتنگ داشت. این ظروف عمدتاً برای دفع اخلاط سینه ناشی از دود تنباکو به کار می‌رفت. از قرن ۱۹ میلادی، سلفدان توسط اروپاییان وارد زندگی روزمره آمریکایی‌ها شد و هنگامی‌که مردم (به ویژه افراد سالخورده) در رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها، سالن‌ها، هتل‌ها، آرایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، ساختمان‌های دولتی، بانک‌ها، فاحشه‌خانه‌ها، میخانه‌ها و انبارها دور هم جمع می‌شدند از آن استفاده می‌کردند (۱۹).

پس از کشف سل در اخلاط بیماران توسط دکتر روبرت کخ (Robert Koch) در سال ۱۸۸۲ میلادی و نظر وی مبنی بر اینکه این بیماری می‌تواند از طریق سرفه، عطسه و تف‌کردن شیوع یابد و به دیگران منتقل شود (۲۲)، جایگاه و کاربرد سلفدان در آمریکا و سپس سایر نقاط مورد تجدید نظر قرار گرفت، چراکه بیماران مبتلا به سل برخلاف سایر بیماری‌های مسری از تحرک کافی برخوردار بودند و می‌توانستند به روال عادی زندگی اجتماعی خود ادامه دهند. به همین دلیل مسئولان حوزه بهداشت عمومی در آمریکا، قوانین مدونی به منظور جلوگیری از اشاعه بیماری سل تدوین کردند (۲۳). سیاست‌های بهداشتی اعمال شده برای به حداقل‌رساندن این بیماری عفونی، کوچک‌ترین رفتارهای شخصی و خانگی مبتلایان به سل را ـ از نحوه جاروکشیدن کف اتاق تا اصلاح محاسن ـ دربر می‌گرفت. یکی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این راستا ممنوعیت پرت‌کردن آب دهان، حمل سلفدان و شخصی‌شدن استفاده از آن بود (۲۳-۲۲).

سلفدان‌های شخصی تحت عناوین مختلفی از تف‌دان جیبی گرفته تا جام و فلاسک شخصیِ خلط سینه در بازار خرید و فروش می‌شد و تبدیل به وسیله‌ای الزامی برای مبتلایان به بیماری سل گردید (شکل ۱). روزنامه‌ها و مجلات به منظور تبلیغ بهداشت عمومی، نحوه استفاده از سلفدان را از طریق آموزش‌های تصویری و نوشتاری به مخاطبان خود می‌آموختند تا ضمن رعایت ادب، مانع کثیفی اماکن عمومی شوند. بدین طریق سلفدان نه‌تنها باعث اصلاح نوعی رفتار نابهنجار در جامعه گردید، بلکه تا حد زیادی باعث پیشگیری از بیماری‌های مسری به ویژه سل شد (۱۹). افزون بر این، انجمن‌های ملی و بهداشتی توانستند از طریق وضع قوانین و آموزش، بهداشت و زیبایی شهری را تضمین نمایند (۲۳).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

شکل ۱: سلفدان یا فلاسک جیبی

سلفدان نه‌تنها در آمریکا، بلکه در کشورهای اروپایی نیز پس از شیوع بیماری آنفولانزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸، زمانی که واکسن و آنتی‌ویروس وجود نداشت، به مثابه یک ابزار بهداشتی مجدداً با استقبال مواجه گشت. با شیوع آنفولانزای اسپانیایی و فراگیری آن در سرتاسر نقاط دنیا از اروپا گرفته تا آسیا، آمریکا و شاخ آفریقا اقدامات احتیاطی زیادی در راستای مبارزه با این بیماری صورت گرفت که از جمله آن‌ها می‌توان به ممنوعیت تف‌کردن در خیابان‌ها و رواج استفاده از سلفدان جیبی اشاره کرد (۲۴).

در سراسر دنیا سلفدان‌ها به لحاظ ظاهری، عمدتاً دارای لبه‌ای پهن بودند و سطح زیرین آن‌ها به صورت صاف طراحی شده بود و اغلب از مواد سنگینی ساخته می‌شد تا به راحتی در هنگام تکان‌خوردن واژگون نشود. دهانه پهن آن نیز به این منظور طراحی شده بود تا مانع افتادن آب دهان به بیرون از ظرف شود. جنس سلفدان‌ها بسیار متنوع بود و معمولاً از جنس سنگ، چدن، برنج و سایر فلزات گران‌بها نظیر طلا و نقره و سلفدان‌های یک بار مصرف از کاغذ ساخته شده بودند. ظاهر سلفدان‌ها با توجه به شأن و مقام کاربر آن تفاوت داشت. بعضاً میناکاری شده و مرصع به جواهرات بودند که نمونه‌های آن را در موزه‌های مختلف دنیا می‌توان مشاهده کرد. رنگ و ظاهر زیبا و مزین سلفدان‌ها داغ ننگین ابتلا به سل و علائم این بیماری مثل سرفه، ریختن آب دهان و اخلاط سینه را پنهان می‌ساخت. از آنجا که سلفدان در کنار سایر وسایل ضروری، تبدیل به ابزاری خانگی برای بیمارانی گردید که در حال سپری‌کردن دوره نقاهت خویش بودند از آن به مثابه اشیایی تزئینی استفاده می‌کردند تا از قبح آن کاسته شود (۱۹).

اگرچه، سلفدان تا به امروز ساخته می‌شود، ولی دیگر نمی‌توان آن را در اماکن عمومی مشاهده کرد، مگر آنکه جنبه تزئیناتی ـ نمایشی داشته باشد. امروزه، تنها چند شرکت نظیر مادژاگ، اسپیتباد و مادباد برای آن دسته از افرادی که دخانیات استعمال می‌کنند سلفدان می‌سازند. در برخی از مشاغل که با تست قهوه، چای و شراب در ارتباط هستند، سلفدان هنوز کاربرد ویژه خود را دارد. شخصی که قهوه، چای و شراب را می‌چشد به منظور جلوگیری از مسمومیت‌های احتمالی، جرعه‌ای اندک از آن را سر کشیده و سپس به درون سلفدان تف می‌کند. افزون بر این در مطب‌های دندان‌پزشکی نیز ظرفی در کنار صندلی بیمار نصب شده که برای تخلیه آب دهان استفاده می‌شود و سلفدان نام دارد. در میان جامعه حرفه‌ای دندان‌پزشکان از این ظرف تحت عنوان کراشوار (Crachoir) نام برده می‌شود که در واقع معادل فرانسوی واژه (Spittoon) در زبان انگلیسی و سلفدان/ تفدان در زبان فارسی است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

۳. سلفدان در ایران: در باب ورود سلفدان به ایران اطلاعات دقیقی وجود ندارد. آنچه مشخص است از دوره باستان تف‌کردن و پاک‌کردن بینی در میان ایرانیان امری مذموم و نکوهیده بوده است (۲۵). گزنفون می‌نویسد: «بین پارسی‌ها آب دهان به زمین‌انداختن، پاک‌کردن بینی یا دورشدن برای قضای حاجت در مقابل چشم دیگران عیب بزرگی محسوب می‌شده است» (۶). همین نویسنده در جای دیگر می‌گوید: «کوروش مقرر داشت که احدی مجاز نیست در حضور جمع آب دهان یا بینی خود را به زمین اندازد» (۶). هرودوت نیز خاطر نشان می‌سازد که پارسیان احترام ویژه‌ای برای آب‌های جاری مرعی می‌داشتند: «پارس‌ها در مجاری آب ادرار نمی‌کنند و آب دهان نمی اندازند» (۷).

بیشترین اطلاعات موجود درباره سلفدان تا پیش از دوره صفوی عمدتاً متکی بر آثار نمایشی است که امروزه در موزه‌های خارجی نگهداری می‌شود. یکی از اولین و قدیمی‌ترین سلفدان‌های کشف‌شده در ایران متعلق به اواسط قرن ۹ و ۱۰ میلادی است که در ایالت هنان چین از سنگینه ساخته شده و در حفاری‌های صورت‌گرفته توسط دیوید وایت هوس (David Whitehouse) در منطقه سیراف کشف شده است. این اثر در حال حاضر در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (شکل ۲).

شکل ۲: سلفدان سیراف؛ محل نگهداری موزه بریتانیا

سلفدان قدیمی دیگری که قدمت آن به پیش از دوره صفویه بازمی‌گردد و از روی کتیبه آن به طور قطع می‌توان به هویت ایرانی‌اش پی برد، سلفدانی است که امروزه در موزه ملی اسکاتلند، ادینبورگ، نگهداری می‌شود. بر اساس کتیبه‌ای که کف این سلفدان حک شده، این اثر متعلق به سال ۸۴۸ قمری و شخصی به نام مولانا حسام‌الدین از اهالی مشهد رضوی است. جنس آن از سفال لعاب‌دار با نقش طومارهایی به شکل برگ سبز رنگ است که بر روی زمینه‌ای به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد نقش بسته است (شکل ۳) (۲۶).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

شکل ۳: سلفدان مولانا حسام‌الدین از اهالی مشهد؛ محل نگهداری: ادینبورگ، موزه ملی اسکاتلند

اگرچه در باب تاریخ دقیق ورود سلفدان به ایران اطلاعات متقنی وجود ندارد، ولی مستندات تاریخی شامل دیوارنگاره‌ها، سفرنامه‌های سیاحان خارجی و سلفدان‌های کشف‌شده در نقاط مختلف ایران حاکی از رواج سلفدان از دوره صفویه است که احتمالاً بی‌ارتباط با گسترش استعمال تنباکو توسط شاه، درباریان و عامه مردم در این دوره نیست (۲۷). قدیمی‌ترین داده تاریخی موثقِ مرتبط با سلفدان در دوره صفویه، دیوارنگاره کاخ چهل‌ستون در اصفهان است که یادآور پناهنده‌شدن همایون حاکم مغولی هند به دربار شاه طهماسب صفوی است. در ضیافتی که به یُمن حضور همایون برگزار شده بود، شاه طهماسب و شاهزاده هندی روی یک فرش رو به روی یکدیگر نشسته‌اند و سایر درباریان، موسیقیدان‌ها و رقصنده‌ها در حال بزم و شادی هستند، در حالی که بین آن‌ها یک بطری، یک آفتابه و یک سبد میوه وجود دارد، جلوی هر یک از آن‌ها یک عدد سلفدان اختصاصی نیز قرار داده شده است. علاوه بر این، در نقش‌نگاره‌ای که توسط محمدالزمان در سال ۱۶۷۵ میلادی با اقتباس از خمسه نظامی از مراسم بزم بهرام گور و برخی از درباریان به تصویر کشیده شده، می‌توان به کاربرد شخصی سلفدان در میان حضار پی برد. در این تصویر جلوی هر یک از درباریان زانوزده در پیشگاه شاه و شاهزاده یک سلفدان قرار داده شده است. نقاشی‌های کشیده‌شده توسط هنرمندان اروپایی در اواخر قرن هفدهم نیز مؤید کاربری شخصی سلفدان در دربار سلطنتی به منظور رعایت آداب نزاکت و حفظ اصول بهداشتی است. در این تصاویر عموماً پادشاهان صفوی، رجال برجسته و میهمانان خارجی در حالی به تصویر کشیده شده‌اند که مقابل هر یک از آن‌ها یک سلفدان مخصوص قرار گرفته است (۲۸).

با ورود سیاحان و سفرنامه‌نویسان خارجی به ایران در عصر صفویه، بازدید آن‌ها از آبدارخانه‌ها/ شراب‌خانه‌های سلطنتی و حضور در مراسم‌های سلطنتی اطلاعات مهمی از ظروف موجود در آبدارخانه‌های سلطنتی از جمله سلفدان‌ها و کاربرد آن‌ها ثبت شده است. بنا به گزارش فریه (Fryer) ایرانیان در این دوره از شئ‌ایی به نام «پیکدان» یا «پیگدان (Pigdan)» برای تخلیه آب دهان خویش استفاده می‌کردند. این پیک‌دان‌ها ساخت داخل بوده و به لحاظ ارزشی در جایگاهی بعد از ظروف چینی قرار می‌گرفتند (۲۹). واژه پیک‌دان احتمالاً در اثر مراودات بین ایرانیان در عصر صفویه و گورکانیان هند وارد زبان فارسی نیز شده است، به ویژه آنکه قدیمی‌ترین داده تاریخی موثقِ مرتبط با سلفدان در دوره صفوی، دیوارنگاره کاخ چهل‌ستون در اصفهان است که یادآور پناهنده‌شدن همایون حاکم مغولی هند به دربار شاه طهماسب صفوی است (۳۰). افزون بر این، بنا به گفته زبان‌شناسان، زبان هندی ـ اردو با وام‌گرفتن پسوند «دان» به معنی ظرف از زبان فارسی و ترکیب این پسوند با لغات بومی نظیر پیک و پیگ به ساخت واژه‌ای به نام پیکدان/ پیگدان مبادرت ورزیده است

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

(۳۱)، دقیقاً از این واژه به جای سلفدان در متون هندی نیز استفاده شده است (۱۸).

سیاح دیگری که از سلفدان در میان ظروف سلطنتی دوره صفویه نام برده شاردن (Chardin)، سیاح معروف فرانسوی، است. وی در سفرنامه خود در کنار ظروفی نظیر قاشق، ملاقه، کاسه، بشقاب، سینی، جام، پارچ، ساغر و بطری به سلفدان یا تفدان به مثابه یکی از ملزومات آشپزخانه سلطنتی اشاره کرده است که حاکی از اهمیت این شئ و محل نگهداری آن در آبدارخانه‌ها/ شراب‌خانه‌های سلطنتی است. شاردن در توصیف ظروف سلطنتی و سلفدان موجود در شراب‌خانه می‌گوید: «صبح روز دوم برای تماشای شراب‌خانه پادشاه و دیدن تدارکاتی که برای حمل‌کردن آماده شده بود، رفتم. مدیر شراب‌خانه با نهایت نظرنوازی و مهربانی اجازه داد تمام آن وسایل و لوازم را به دلخواه ببینم. این‌ها عبارت بود از چند دست قاشق بسیار عالی، تعدادی کاسه، چندین ساغر، چندین پارچه زیرِ جام و بشقاب و سینی و پارچ و تنگ آب و بطری و «سلفدان» همه از طلای خالص که بعض آن‌ها میناکاری، برخی گوهرنشان و بعضی مزین به مروارید بود. بهای این همه نفایس چندان بود که به وهم نمی‌گنجد» (۱۷).

از گزارش‌های سایر سفرنامه‌نویسان خارجی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد به دو نکته مهم دیگر درباره سلفدان می‌توان پی برد: اولاً استفاده از سلفدان تنها مخصوص خلوت پادشاهی نبوده است و شاهان و خان‌ها در مجالس رسمی در حالی که سایر اشراف، شاهزادگان و حتی نمایندگان دول خارجی حضور داشتند از سلفدان در ملأعام استفاده می‌کردند و این کار برخلاف ادب و منافی شؤونات اجتماعی تلقی نمی‌شده است؛ ثانیاً خواجه یا مهتری از سوی ناظر دربار اختصاصاً برای نگهداری و حمل سلفدان و خدمتگزاری در طول مراسم‌های درباری به کار گماشته می‌شده است. همانطور که در دوره صفویه فردی متصدی نگهداری قلیان سلاطین، امرا و بزرگان بود (۱۷)، نوکری نیز مسئول نگه‌داشتن سلفدان در مراسم‌های رسمی بود. به طور نمونه، کمپفر (Kaempfer) می‌نویسد: «در حالی که شاهنشاه (شاه سلیمان) به رسم پدران خویش بر تخت و متکای مطلا تکیه زده بود و دیهیمی زرین و جامه‌ای ابریشمین بر تن پوشیده بود، پشت سر وی را بیست و دو خواجه سیاه و سفید به صورت نیم‌دایره احاطه کرده بودند که هر یک وظیفه خاصی را بر عهده داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به نگهدارنده سلفدان سلطنتی اشاره کرد: «پشت سر شاه بیست و دو تن خواجه سیاه و سفید نیم‌دایره‌ای تشکیل داده و آماده خدمت به وی بودند. از طرف راست شش پسر گرجی با زیبایی کم‌نظیر با فاخرترین جامه‌ها و برخلاف رسم رایج مملکت با سر و زلفی بلند و نتراشیده به این خواجگان پیوسته بودند. یکی از این پسران کاملاً نزدیک شاه ایستاده بود و با بادبزنی از موی سفید اسب او را آهسته باد می‌زد. یکی دیگر قلیان را نگاه داشته بود، سومی سلفدانی در دست داشت، چهارمی از عودسوز مراقبت می‌کرد و بدین ترتیب هر کس وظیفه مخصوصی به عهده داشت» (۳۲).

علاوه بر شاه، خان‌های کوچک ولایت و امرا نیز که هریک به تبعیت از شاه و دربار سلطنتی نمونه کوچکی از تشریفات درباری را در محل اقامت خویش برقرار می‌ساختند، در هنگام پذیرایی از میهمانان، در سفره به ازای هر نفر یک توفتان (سلفدان) شخصی در کنار او قرار می‌دادند که آدام اولئاریوس (Olearius) آن را معادل با ظرف آشغال اروپاییان دانسته و می‌گوید: «همه جا در کنار میهمانان توفتان یا ظرف آشغال گذاشته بودند که اندازه و ظاهر آن شبیه ظرف آشغال اتاق‌های خودمان است» (۸). اشاره اولئاریوس به اختصاص یک توفتان به هر نفر نیز حاکی از رعایت اصول بهداشتی در استفاده از سلفدان در دوره صفویه، دست‌کم در میان رجال بلندمرتبه است. علاوه بر رعایت بهداشت، ظاهراً از دوره شاه عباس دوم سلفدان نشانگر شأن و منزلت شخصی نیز گردید. برخی از پژوهشگران با مطالعه موردی سفالینه‌ها در نقاشی‌های رضا عباسی به این نتیجه رسیده‌اند که از آغاز حکومت شاه عباس دوم (۱۶۶۶-۱۶۴۲ م./ ۱۰۴۵-۱۰۱۱ ش.) سلفدان تبدیل به نمادی از شأن و منزلت در دوره صفویه شد و بعدها نیز در پرتره‌هایی که از شاهان قاجار کشیده شده است یکی از ارکان ثابت این نقاشی‌ها گردید (۳۳).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

با توجه به گزارش‌های موجود از دوره صفویه به نظر می‌رسد، سلفدان تنها مختص به خاندان سلطنتی و طبقه اشراف نبوده است، بلکه هر یک از طبقات جامعه با توجه به شأن و منزلت اجتماعی خویش از سلفدان استفاده می‌کرده‌اند. توصیف اولئاریوس از توفتان (سلفدان) و کارکرد آن در میان ایرانیان در دوره صفویه به وضوح مبین کارکرد بهداشتی این شئ و نقش آن در «حفظ و مراعات نظافت» است. وی می‌نویسد: «ایرانیان در هنگام برگزاری ضیافت برای حفظ و مراعات نظافت ظرف مخصوصی را که توفتان نامیده می‌شود، همیشه در کنار دارند که هنگام خوردن غذا و یا میوه، پوست و آشغال آن و نیز آب دهان خود را در آن می‌اندازند. در ضیافت و میهمانی از توفتان بسیار استفاده می‌کنند و بین هر دو نفر یک عدد توفتان قرار می‌دهند» (۸).

همچنین تاورنیه (Tavernier)، سیاح فرانسوی که به مناسبت فروش جواهراتش به شاه ایران‌زمین در دربار حاضر شده بود، ضمن توصیف برخی از عادات ایرانیان می‌گوید: «ایرانیان با وجود اینکه انفیه می‌کشند، هرگز از دستمال برای تمیزکردن دماغ خویش استفاده نمی‌کنند و خیو در دستمال نمی‌اندازند. در هر اتاق بر حسب استطاعت صاحب‌خانه ظرف‌های مخصوصی از طلا یا نقره یا چینی گذارده شده، هر وقت بخواهند دماغ بگیرند یا خیو و آب دهان بیندازند، در میان آن ظرف‌ها می‌گیرند و می‌اندازند» (۹).

یکی از معروف‌ترین و زیباترین سلفدان‌های ایرانی به جامانده از دوره صفوی سلفدانی است که در جندی‌شاپور کشف شده است. این اثر در سال ۱۸۷۷ م./ ۱۲۵۶ ش. توسط موزه هنرهای زیبا در فیلادلفیا خریداری شده و هم‌اکنون در این موزه نگهداری می‌شود. جنس سلفدان مذکور از سرامیک چینی بوده و با نقش گل‌ها و گیاهان تزئین و سپس با رنگ شفاف لعاب‌کاری شده است (شکل ۴).

شکل ۴: سلفدان جندی‌شاپور متعلق به قرن ۱۷میلادی، محل نگهداری: موزه هنر فیلادلفیا

سنت استفاده از سلفدان با توجه به استعمال گسترده دخانیات، پایین‌بودن سطح بهداشت عمومی و فراگیری بیماری‌های مسری به دوره قاجار نیز تسری یافت و طبقات مختلف اجتماعی با توجه به شأن و منزلتی که داشتند از این شئ استفاده می‌کردند.

زیباترین سلفدان‌های ایرانی دوره قاجار متعلق به سلاطین این سلسله بود که عمدتاً از فلزات قیمتی نظیر طلا و نقره ساخته

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

شده و با جواهرات گران‌بهایی مرصع و حتی میناکاری شده بود. برخی از این سلفدان‌ها امروزه در ویترین‌های شماره ۱، ۲، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ خزانه جواهرات ملیِ بانک مرکزی ج.ا.ا به نمایش درآمده است. این آثار عمدتاً در کنار سایر ظروف آبدارخانه سلطنتی و قلیان‌ها در معرض بازدید عموم قرار گرفته است که احتمالاً دلالت بر محل اصلی نگهداری این آثار در دوره قاجار یعنی آبدارخانه سلطنتی دارد. شاخص‌ترین آن‌ها، سلفدانی است که در ویترین شماره ۲۷ خزانه جواهرات قرار داده شده است و متعلق به دوره پس از فتحعلی‌شاه قاجار (احتمالاً ناصرالدین‌شاه) است (۳۴). بدنه این سلفدان میناکاری شده و مزین به گل و برگ و با جواهراتی نظیر الماس، مروارید، یاقوت و یا لعل مرصع شده است (شکل ۵).

شکل ۵: سلفدان خزانه جواهرات ملی؛ بانک مرکزی ج.ا.ا، ویترین شماره ۲۷ در موزه خزانه جواهرات ملی

در این دوره، نقاشان درباری در تصاویر مختلفی که از پادشاهان قاجار خلق کرده‌اند، همواره جنب صندلی یا تخت همایونی سلفدانی را به مثابه یک اثر تزئینی به تصویر کشیده‌اند. به عنوان مثال، در نخستین تصاویری که باباخان از فتحعلی شاه کشیده، شاه قاجار را با کسوتی شاهانه و در حالی که بر روی مسند منقشی جلوس کرده و بر مخده‌ای تکیه زده و تاج و گرز سلطنتی در دست دارد و بازوبندهای شاهانه را به بازوان خویش بسته در حال کشیدن قلیان به تصویر کشیده است. در کنار مسند جواهرنشان فتحعلی‌شاه دو تنگ وجود دارد که یکی از آن‌ها سلفدان است (شکل ۶، ۷ و ۸). در واقع سلفدان در این دوره به مثابه یک اثر تزئینی، بخشی جدایی‌ناپذیر از پرتره‌های سلطنتی شده بود که توسط نقاشان کشیده شده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

شکل ۶: فتحعلی‌شاه نشسته بر مسند بدون تاج کیانی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

شکل ۷: وجود سلفدان جنب زیرانداز سلطنتی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

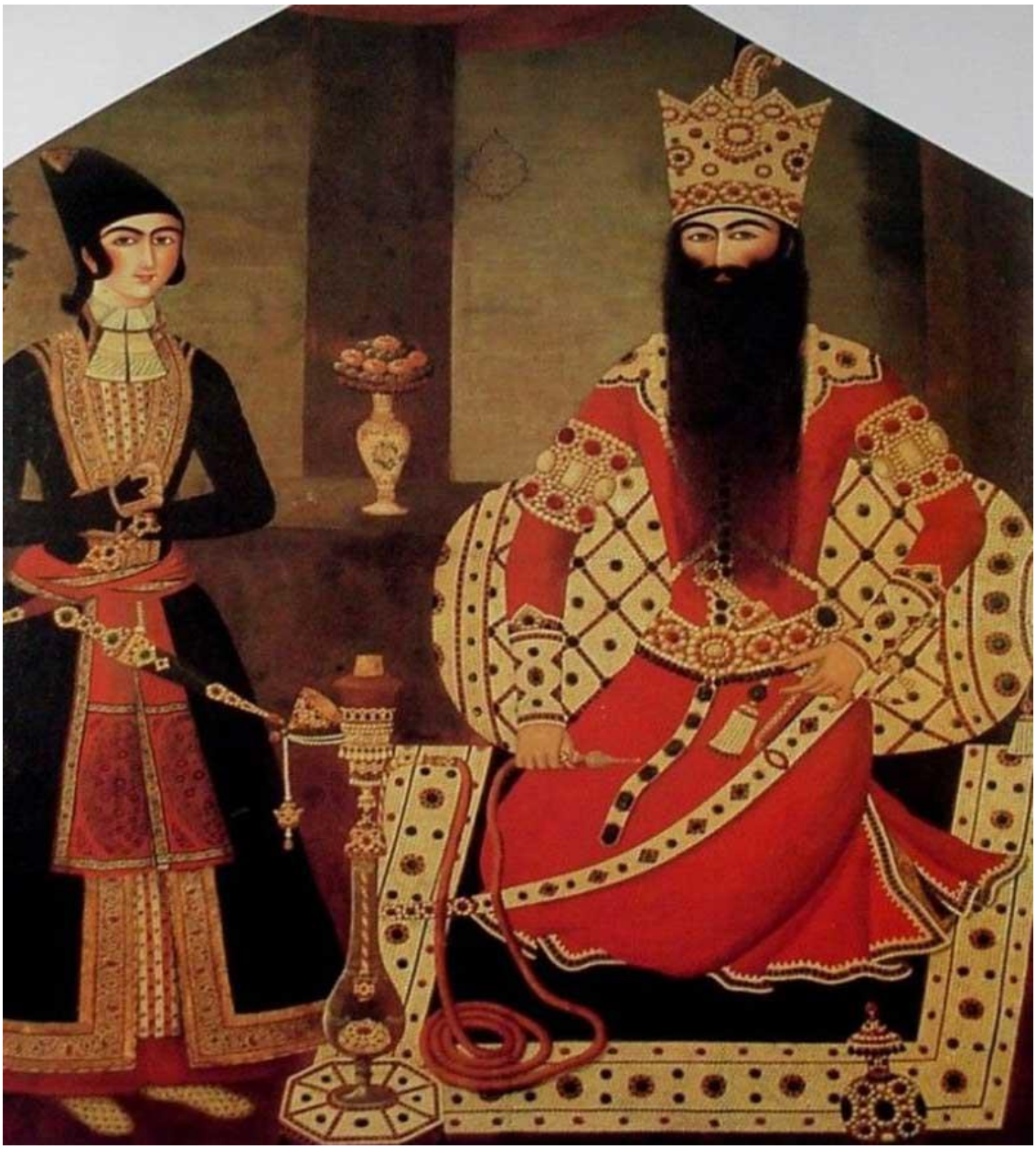

شکل ۸: فتحعلی‌شاه در حال کشیدن قلیان و وجود سلفدان

همانطور که میان اعیان و اشراف دوره قاجار شخصی به نام قلیان‌دار وجود داشت که وظیفه‌اش چاق‌کردن قلیان، حمل قلیان و سایر ملزومات برای ولی‌نعمتش بود (۲۷)، شخصی نیز مسئولیت نگه‌داشتن سلفدان را در حضور شاه و رجال بلندمرتبه بر عهده داشت. در تصاویری که از این دوره باقی مانده، می‌توان پی برد که در مراسم‌های مختلف درباری همواره شخصی مسئول نگهداری سلفدان در طول مراسم بوده است. به عنوان مثال در یکی از نقاشی‌های قاجاری، افرادی که حافظ و نگهدارنده ابزارآلات سلطنتی نظیر گرز، شمشیر، کمربند، سپر، عودسوز و سلفدان بودند به تصویر کشیده شده‌اند. در یکی از این تصاویر، آقامحمدحسن نامی که در کنار تصویر وی عنوان پیشخدمت خورده، نگهدارنده سلفدان است (شکل ۹) (۳۵).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

شکل ۹: محمدحسن‌خان نگهدارنده سلفدان نفر اخر از سمت چپ

گزارش‌های ثبت‌شده در دوره قاجار و سپس پهلوی حاکی از آن است که استفاده از سلفدان صرفاً محدود به سلاطین و درباریان نبوده و مردم عادی نیز با توجه به پایگاه اجتماعی خویش از آن استفاده می‌کردند. برخی سلفدان‌های مورد استفاده در این دوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: دسته اول سلفدان‌هایی که جنبه شخصی داشتند. به عنوان مثال ملامکتبی‌ها و ملاباجی‌های مکتب‌دار، سلفدان مخصوص به خویش را داشتند و هر روز ریختن خاکستر در سلفدان را در کنار سایر امور، به یکی از شاگردان خویش محول می‌کردند (۳۶). ریختن خاکستر در سلفدان گویا به منظور ضد عفونی‌کردن سلفدان صورت می‌پذیرفت. نویسنده این سطور بر این گمان است که ریختن خاکستر در سلفدان احتمالاً از عثمانی اقتباس شده است، چراکه در منابع دوره صفوی حرفی از خاکستر درون سلفدان زده نشده است. این در حالی است که در امپراطوری عثمانی که روابط به مراتب وسیع‌تری با دنیای غرب داشت و از دستاوردهای علمی و پزشکی آن‌ها زودتر مطلع می‌شد از خاکستر برای پرهیز از آلودگی استفاده شده است. کلاویخو (Clavijo) در جریان سفر خویش به قسطنطنیه، هنگامی که از نمازخانه‌ای در این شهر بازدید می‌کرد، در توصیف این نمازخانه می‌نویسد: «بین هر دو نیمکت منقل‌های برنجی پر از خاکستر قرار دارد که هر کس نیاز داشته باشد، می‌تواند در آن‌ها آب دهان بیندازد و سنگ فرش را آلوده نسازد» (۳۷). با وجود این، برخی از ایرانیان به علت فقدان لوله‌کشی شهری به سبک امروزی، محتویات داخل سلفدان خود را پنهانی در جوی‌ها و مجاری آب خالی می‌کردند. این کار اولاً برخلاف کارکرد اصلی سلفدان بود؛ ثانیاً می‌توانست جان اهالی یک شهر و منطقه را به خطر بیندازد. به همین دلیل مردم مجبور بودند برای جلوگیری از ورود چنین زوائدی به داخل آب انبار خویش از جاروب، غربال، سرند و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

امثال آن استفاده کنند و شخصی به نام میراب وظیفه مراقبت از مجاری آب را بر عهده داشت (۳۸).

دسته دوم سلفدان‌هایی بودند که در اماکن عمومی ـ به ویژه اماکن زیارتی، تفریحی و مراکز بهداشتی ـ مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به طور نمونه، در سال ۵۱-۱۲۵۰ قمری میان مجموعه وسایل، لوازم و نذوراتی که تحویل میرزامهدی تحویلدار آستان قدس رضوی شده، می‌توان به سلفدان‌هایی اشاره کرد که به آستان متبرکه قدس رضوی اهدا شده است (۳۹). خرید این سلفدان‌ها در واقع برای جلوگیری از آلوده ساختن صحن حرم رضوی و حفظ بهداشت میان زوّار صورت می‌گرفت. در موردی دیگر، در فهرستی که در سال ۱۳۰۶ شمسی رییس دارالشفای آستان قدس رضوی تقدیم نایب تولیت آستان محمدولی اسدی مبنی بر تهیه ملزومات بهداشتی این مرکز درمانی کرده است، می‌توان به درخواست سلفدان برای این مرکز بهداشتی اشاره کرد (۴۰). همچنین می‌توان به نامه رییس بیمارستان شاه‌رضا در سال ۱۳۱۵ شمسی اشاره کرد که ذیل نامه افتتاح تأسیس این بیمارستان درخواست تهیه چند مورد سلفدان پزشکی را در کنار سایر ملزومات به تجارت‌خانه بلورفروشان داده است (۴۱).

در دوره پهلوی اول، رضاشاه در راستای تحقق برخی از اصلاحات اجتماعی به منظور رعایت بهداشت و حفظ سلامت شهروندان در اماکن تفریحی و حرفه‌ای از جمله رستوران‌ها و کارخانجات خواستار اجرای پاره‌ای از اصول به منظور متمدن ساختن ایرانیان گردید. وی به بلدیه (شهرداری) دستور داده بود تا طی یک ابلاغیه رسمی به صاحبان رستوران‌ها رعایت برخی از این اصول را گوشزد نماید. یکی از این اصول هفت‌گانه تعبیه چندین ظرف مخصوص جهت آب دهان به فواصل معینه موجود اعلام شده بود (۴۲). افزون بر این برای وادارکردن افراد به ترک برخی عادات ناپسند اجتماعی یک سلسله دستورالعمل‌ها از طرف دولت وضع و رعایت آن برای آحاد جامعه الزامی گردید که در صورت بی‌توجهی مورد تنبیه قرار می‌گرفتند. از آنجا که در این دوره هنوز بسیاری از شریان‌های اصلی آب شرب شهری فاقد لوله‌کشی بود و جان بسیاری را در دوره قاجار گرفته بود، دولت طی اعلامیه‌های رسمی به منظور ارتقای سلامت و بهداشت جامعه، مردم را از انجام برخی از کارها نظیر انداختن آب دهان و اخلاط سینه و بینی، شستن لباس و ظروف، ریختن زباله و رفع حاجت در آب نهرها منع کرد (۴۴-۴۳). همچنین دولت پهلوی در نخستین قانون کار مصوب مرداد ۱۳۱۵ شمسی ذیل عنوان «نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی»، طبق ماده ۲۷ این قانون تمامی کارفرمایان و صاحبان کارخانجات را مکلف کرد تا در نقاط مختلف کارخانه ظرف‌های لعابی یا مسی برای انداختن آب دهان و بینی در دسترس مزدور بگذارند» (۴۶-۴۵).

آنچه که مردم را در دوره پهلوی به تعبیه و استفاده از سلفدان ترغیب می‌کرد، گسترش بیماری سل و آگاهی از دستاوردهای علمی و کشفیات جدید دکتر کخ کاشف میکروب سل بود. چنانکه پیش‌تر نیز اشاره گردید، دکتر کخ قویاً به نقش خلط سینه و بزاق دهان در گسترش و شیوع بیماری باور داشت و معتقد بود این بیماری می‌تواند از طریق اخلاط سینه یا بزاق دهان مبتلایان در حین تنفس و یا سرفه در هوا پراکنده شده و عده زیادی را مبتلا سازد (۴۷).

به لحاظ ساختار فیزیکی میان سلفدان‌های ایرانی و خارجی تفاوت چندانی وجود ندارد. سلفدان‌ها عمدتاً دارای لبه‌ای پهن بودند و سطح زیرین آن‌ها به صورت صاف طراحی و اغلب از مواد سنگینی ساخته شده بود تا به راحتی در هنگام تکان خوردن واژگون نشوند. دهانه پهن آن‌ها نیز طوری طراحی شده بود تا مانع افتادن آب دهان به بیرون از ظرف شود. تنها تفاوت در ظاهر و تزئیناتی است که بر روی آن‌ها کار شده است. عوام عمدتاً از سلفدان‌های گلی و چینی ولی اعیان، اشراف و شاهان از سلفدان‌های فلزی ذی‌قیمت که مرصع به انواع جواهرات بود، استفاده می‌کردند. استفاده از سلفدان‌هایی از جنس طلا و نقره که مرصع به جواهرات بود، نه‌تنها بیانگر شأن و منزلت شخص بود، بلکه با سایر تزئینات نیز تطابق بیشتری داشت.

اگرچه نسل حاضر تا حد زیادی با سلفدان و کارکرد آن در گذشته ناآشنا هستند و یا بعضی از افراد گمان می‌کنند که

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

سلفدان دیگر به طور کل کاربرد خود را از دست داده، باید خاطرنشان کرد حتی امروزه نیز بیماران مبتلا به سل از شئ‌ایی شبیه به سلفدان که عموماً کاغذی و یک بار مصرف است، استفاده می‌کنند. افزون بر این، در برخی از حرفه‌ها نظیر دندان‌پزشکی استفاده از سلفدان هنوز رایج است و بسیاری از مردم با آن سروکار دارند. در مطب‌های دندان‌پزشکی، جنب صندلی بیمار، سلفدان یا تفدانی تعبیه شده که پس از اعمال جراحی بر روی فک، دهان و دندان مورد استفاده قرار می‌گیرد و مانع از کثیفی مطب دندان‌پزشکی و گسترش ویروس می‌شود. دندان‌پزشکان از این کاسه تحت عنوان کراشوار (Crachoir) که معادل فرانسوی واژه انگلیسی (Spittoon) و فارسی سلفدان/ تفدان است، نام می‌برند.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر به دلیل عدم آگاهی عموم جامعه نسبت به پیشینه تاریخی، کارکرد اجتماعی و بهداشتی سلفدان نگاه منفی نسبت به این اثر شکل گرفته و از آن به مثابه یک شئ غیر بهداشتی یاد می‌شود که توسط اشخاص کاهل و تنبل در جامعه ـ به ویژه طبقات ممتاز ـ مورد استفاده قرار گرفته است. برخلاف این نگاه کلیشه‌ای این شئ در گذشته بیشتر کارکردی بهداشتی داشته و با توجه به شیوع بیماری‌های واگیردار نظیر سل و به منظور رعایت هنجارهای اجتماعی برای جلوگیری از انداختن آب دهان استفاده می‌شده است.

مشارکت نویسندگان

حسین احمدزاده نودیجه تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

نویسنده مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر محمد طالبی دبیر کل محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای مسعود رحیمی مدیر کل محترم ریالی و نشر، جناب آقای عدالت کامیاب مدیر محترم ادراه نشر اسکناس و خزانه، جناب آقای مهدی جابری معاون محترم اداره، جناب آقای حسین خداوردی آرش کارشناس محترم اداره و جناب آقای محمد میکاییلی قزلجه رئیس محترم دایره خزانه جواهرات ملی و کارگروه پژوهش به واسطه کمک و یاری در نگارش و بازنویسی متن مقاله اعلام می‌دارد.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

پی‌نوشت

۱ـ جلد دوم این اثر تحت عنوان: الیاس. نوربرت، (۱۳۹۳). در باب فرایند تمدن. ترجمه: غلامرضا خدیوی. تهران: جامعه شناسان در دسترس جامعه فارسی زبان قرار گرفته است. جلد اول این اثر که بیشتر به ذکر نمونه‌های موردی در باب عادات و رفتار انسان در قرون وسطی پرداخته هنوز به فارسی ترجمه نشده است:

Norbert E. The History of Manners. New York: Pantheon Books; 1978.

۲ـ در دفتر ثبت جواهرات پشتوانه، محل نگهداری: بایگانی محرمانه اداره نشر اسکناس و خزانه بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۳۹ شمسی. صورت آوایی این اثر ثُفله‌دان ثبت شده است. تهیه‌کننده این کتابچه که در هنگام انتقال آثار خزانه جواهرات از بانک ملی به بانک مرکزی آن را گردآوری کرده، به اشتباه به جای واژه سلفدان از ثُفله‌دان به معنی «جای ثفل، یعنی آنچه از معده دفع شود» استفاده کرده است (فرهنگ معین، ثفل.)

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Dunning E, Hughes J. Norbert Elias and Modern Sociology: Knowledge, Interdependence, Power, Process. London: Bloomsbury; 2013. p.76, 78, 91.

2. McCarthy ED. Review of the Civilizing Process. Vol.1: The History of Manners Norbert Elias. Symbolic Interaction. 1985; 8(2): 320-325.

3. Pinell P. Modern medicine and the civilising process. Sociology of Health and Illness. 1996; 18(1): 1-16.

4. Fontaine S. The Civilizing Process Revisited: Interview with Norbert Elias. Theory and Society. 1978; 5(2): 243-253.

5. Elias N. The History of Manners. New York: Pantheon Books; 1978. p.158-159.

6. Xenophon. Anabasis. Translated by Mashayekhi R. Tehran: Elmi Farhangi Publications; 2013. p.11. [Persian]

7. Herodotus. Histories. Translated by Hedayati H. Tehran: Tehran University; No Date. Vol.1 p.170, 220. [Persian]

8. Olearius A. Iran under the Safavids from the perspective of a German. Translated by Behpoor A. Tehran: Ebtekare No Publications; 2006. p.59-60, 270-271. [Persian]

9. Tavernier JB. The six voyages of John Baptista Tavernier. Translated by Nouri A. 2nd ed. Tehran: Sanai Publications; 1987. p.477-478. [Persian]

10. Ahmadi M. Dictionary of Tehranian guys. Tehran: Hila Publications; 2007. p.18. [Persian]

11. Najafi A. Dictionary of Persian Slangs. 2nd ed. Tehran: Niloofar Publications; 2008. p.919. [Persian]

12. Dehkhoda AA. Dictionary of Dehkhoda. Tehran: Tehran University; 1966. Spittoon. [Persian]

13. Moin M. Dictionary of Moin. Tehran: Adena Publications; 2002. Spittoon. [Persian]

14. Jamalzadeh MA. Slang Dictionary. Edited by Mahjoob J. Tehran: Farhange Iran Zamin Publications; 1962. p.221. [Persian]

15. Homayoun Farokh. Persian Language Grammars. Tehran: Elmi Publications; 1985. p.183. [Persian]

16. Chardin J. Travel letters. Translated by Abbasi M. Tehran: Encyclopedia of Iranian Civilization; 1956. p.289-290. [Persian]

17. Chardin J. Travel in Persian. Translated by Yaghmaei E. Tehran: Toos Publications; 1995. Vol.2 p.663, 709. [Persian]

18. Gode PK. History of the Spittoon in India-between c. B. C. 300 and A. D. 1900. Annals of the Bhandarkar Oriental Research Institute. 1995; 36(3/4): 204-214.

19. Haffner MR. Visual and Material Cultures of Science. Available at: https://www.epidemic-histories.com/thespittoon.

20. Schimmel A. In the empire of the Great Mughals. Tehran: Amir Kabir Publications; 2007. p.70-71, 223, 232. [Persian]

21. Polo M. Travels of Marco Polo. Translated by Sahihi H. Tehran: Book Translation and Publishing Company; 1971. p.161-162. [Persian]

22. Anderson M, Kerwin Kofi C, Olivares C, Rees DI. Was the First Public Health Campaign Successful? American Economic Journal: Applied Economics. 2019; 11(2): 146-150.

23. O'Connor PJ. Spitting Positively Forbidden: The Anti-Spitting Campaign, 1896-1910. Graduate Student Theses, Dissertations, & Professional Papers.4449. Missoula: University of Montana; 2015.

24. Martini M, Gazzaniga V, Bragazzi N, Barberis I. The Spanish Influenza Pandemic: A lesson from history 100 years after 1918. Journal of Preventive Medicine and Hygiene. 2019; 60(1): E64-E67.

25. Christensen A. Sassanid Empire. Translated by Yasemi R. Tehran: Donya-ye Ketab Publications; 1989. p.662. [Persian]

26. Ernst J. Grube CERAMICS xiv. The Islamic Period, 11th-15th centuries. Encyclopædia Iranica. Available at: https://iranicaonline.org/articles/ceramics-xiv.

27. Matthee R, Zandieh H, Abbasi F. Tobacco in Iran. History of Foreign Relations Quarterly. 2010; 11(42): 171-190. [Persian]

28. Golombek L, Mason RB, Proctor P, Reilly E. Persian Pottery in the First Global Age the Sixteenth & Seventeenth Centurie. Leiden: Boston Brill; 2014. p.51.

29. Fryer J. A New Account of East India and Persia Being Nine Years Travels (1672-1681). New Delhi: AES Reprint; 1992. Vol.2 p.163.

30. Navaei A. Relations between Iran and the World from Mongol to Qajar. Tehran: Homa Publications; 1986. Vol.1 p.182-200. [Persian]

31. Kiparsky P. New Perspectives in Historical Linguistics. Milton Park, UK: Routledge; 2014. p.68.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

32. Kaempfer A. Travel in Iran. Translated by Jahandari K. 3rd ed. Tehran: Kharazmi Publications; 1984. p.253. [Persian]

33. Raby J. Qajar portraits. Translated by Baharloo AR, Motaghedi K. Tehran: Daniar Publications; 2020. p.55-67. [Persian]

34. Meen VB, Tushingham AD. Crown Jewels of Iran. Translated by Nabili M. Tehran: Central Bank of Iran; 1976. p.120-121 [Persian]

35. Karimzadeh Tabrizi M. History of Old Iranian Painters. London: Mosto; 1991. Vol.1 p.483. [Persian]

36. Shahri J. Social History of Tehran in the 13th Century. 2nd ed. Tehran: Rasa Publications; 1990. p.452. [Persian]

37. Kelavikho R. Narrative of the Embassy of Guy Gonzalez de Clavijo to the court of Timour. Translated by Rajabnia M. Tehran: Book Translation and Publishing Company; 1965. p.79. [Persian]

38. Shahri J. Old Tehran. 4th ed. Tehran: Moin Publications; 2004. Vol.4 p.229. [Persian]

39. Astan Qods Central Library. No.37818; 37735. [Persian]

40. Astan Qods Central Library. No.67198. [Persian]

41. Astan Qods Central Library. No.101104; 10513; 128988. [Persian]

42. Notice. Eṭṭelāʿāt Newspaper. 1928. p.3. [Persian]

43. Notice. Eṭṭelāʿāt Newspaper. 1932. p.1. [Persian]

44. Notice. Harms of Polluted Water. Eṭṭelāʿāt Newspaper. 1932. p.1. [Persian]

45. National Library and Archives Organization of Iran. No.240/32511; 240/94031.

46. Conditions of Factory Establishment. Eṭṭelāʿāt Newspaper. 1936. p.8. [Persian]

47. Yahyā ḵān Pooyā. Tuberculosis.in Tehran. Eṭṭelāʿāt Newspaper. 1932. p.1. [Persian]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.